

● **محمدجواد علیزاده**

از آنجا که آقای یوسف اباذری در مقاله «پوپولیسم نفتی یا دولت آن است که بی خون دل آید به کنار» (که در شماره ۱۰۷ همین روزنامه چاپ شده است-چهارشنبه ۱۳ دی ماه) گفته‌های خود را «طرح‌هایی ابتدایی» می‌داند که نباید در مورد آن گفت‌وگوی رک و بی‌پرده صورت گیرد؛ در این نوشته سعی می‌شود به نقد بعضی از دیدگاه‌های نفاذانه ایشان پرداخته شود.

اباذری مقاله خود را با بحث «پوپولیسم روسی» که در آن مردم مقدس اند، آغاز می‌کند و در ادامه به شکل‌گیری ایده مقدس پنداشتن مردم در سه مقطع تاریخی ایران اشاره می‌کند:

۱- با تشکیل حکومت پهلوی (دولت-ملت)
۲- با تشکیل حزب توده

۳- با گسترش اندیشه‌های جلال‌آل‌احمد

آنطور که مشخص است، در هیچ یک از این سه مقطع اندیشه «تقدس مردم» با یک هدف صورت نگرفته است و همچنین به یک جریان یکسان نیز ختم نشده است. چگونه می‌توان گفت پوپولیسم رضاخانی، همان پوپولیسم حزب توده است و پوپولیسم حزب توده، همان پوپولیسم جلال‌آل‌احمدی است که از حزب توده بیرون آمده است؟ اینها همه با فرض این است که اندیشه «تقدس مردم» در این سه مقطع رواج پیدا کرده باشد، وگرنه جای شک و تردید است که مفهوم رعیت (که بعد از مشروطه به مفهوم شهروند ارتقای لفظی پیدا می‌کند) در زمینه فکری رضاخان جایی برای تقدس پیدا می کرده است.

آرای امام محمد غزالی مبنی بر اینکه «مردم جاهل و نادان‌اند» که در این مقاله به آن اشاره می‌شود، نقطه خوبی برای شروع است اما نه آنگونه که نویسنده مقاله «پوپولیسم نفتی...» به آن نگاه می‌کند. اندیشه «تغلب در آزادی غزالی و تکه پاره کردن فلسفه (نوعی عقل‌گرایی) توسط او، شاید جای را بر نفاذی ای که اباذری بسیار روی آن تاکید دارد، تنگ کند. تفکر «مردم جاهل و نادان‌اند» در نزد غزالی راهی است برای حفظ وضع موجود نه راهکار اجتماعی برای بهتر شدن وضع اجتماع. این جمله از امام محمد غزالی است: «به اول زمانه، خلق خفته بودند و علما پیدار، امروز علما خفته‌اند و خلق مرده، سخن خفته، مرده را چه سود دارد. اما این، آن روزگار است که رای خلاق ثیاب شده است و مردم هم بدفعل و بد نیت گشته‌اند. تا بیم و سیاست سلطان و پادشاه نباشد، خلق بر طاعت و صلاح نباشد.» (غزالی، نصیحه‌الملوک، ص ۱۴۹)

سوال اینجاست که در سده‌های قبل از تشکیل دولت-ملت که اندیشه «تقدس مردم» وجود نداشت، شرایط اجتماعی و رفتارهای پوپولیستی بهتر از الان بوده است؟ آیا بدون تقدس پنداشتن مردم، از خشونت خانگی، خیابانی، اجتماعی و فرهنگی کاسته می‌شود؟ اباذری بهتر از من می‌داند که سلساخت علمی و کامل یک مساله اجتماعی یا این سه شرط تحقق می‌پذیرد:

۱- شناخت کامل و همه جانبه خودمساله

۲- شناخت علل و عوامل به وجود آورنده آن مساله

۳- شناخت پیامدهای آن مساله

رها کردن دو شرط اول و به سراغ سومی رفتن یعنی دور شدن از شناخت کامل مساله.

بچه‌ای را تصور کنید که در امتحانات آخر سال مردود شده است و پدر او می‌توی سرش می‌زند که نادان، جاهل، بی‌شعور و... برای چه مشروط شدی؟ برای چه درس خواندی...؟ آیا این در مان مردودی بود؟ است؟ بچه‌های دیگری هم در همان کلاس بودند که با ضرب‌بمباروشی و استعداد و توانایی‌های مشابه، مردود نشده‌اند. چرا این بچه مردود شده است؟

## فرهنگ نویسی در ایران



خسرو ناقد، فرهنگ‌نویس و مترجم ساکن آلمان، در گفت‌وگویی با ایسنا عنوان کرد: کارهایی که در یکی، دو دهه گذشته، به‌ویژه در زمینه فرهنگ‌های دوزبانه و آن‌هم بیشتر انگلیسی- فارسی انجام شده است، کم‌وبیش با گذشته قابل قیاس نیست. در گستره فرهنگ‌های فارسی هم در سال‌های اخیر یکی، دو کار تازه و خوب انجام شده که فرهنگ هشت‌جلدی «سخن» از آن جمله است. او در ادامه متذکر شد: البته همان‌گونه که اشاره کردم، این ارزیابی را باید نسبی تلقی کرد؛ چرا که از تمدن و فرهنگ و زبان و مردمی سخن در میان است که پیشینه چند صد ساله در تالیف و تدوین دانشنامه و فرهنگ زبان دارد. در زبان فارسی برای مثال، فرهنگ «لغت فارس» اسدی طوسی یا «فرهنگ مجموعه‌القرس» تالیف ابوالعلاء العلمونم جاروتی را در دست داریم که نگارش آن به نیمه دوم قرن هشتم هجری قمری می‌رسد. ناگزیر پیشرفت‌های چند دهه گذشته را در زمینه فرهنگ‌نویسی، به‌رغم اهمیت و ارزش آنها، نمی‌توان بیش از آنی که هست، نشان داد، هنوز راهی پس در پیش‌رو است. با این همه، راهی که ما امروز ادامه می‌دهیم، کوشش در به‌کارگیری معیارها و روش‌های مدرن و اسلوب و ابزار جدید در کار فرهنگ‌نویسی است؛ با توجه به نیازی مبرم که در مواجهه با دانش‌های جدید در حوزه‌های زبان داریم.

ناقد همچنین یادآور شد: از این‌رو فرهنگ‌نویسی کنونی بخشی از پیشرفت خود را مدیون فناوری جدید است. برنامه‌های کامپیوتری پیشرفته با امکانات چندزبان‌نویسی و غلط‌یابی و غلط‌گیری خودکار و ویرایش و صفحه‌آرایی موجب شده است که کار فرهنگ‌نگاری شتاب و گسترش بیشتری پیدا کند. به‌همین خاطر است که می‌بینم حتی یک مولف هم با ابزارهای کاری جدید، به‌تنهایی می‌تواند فرهنگ‌زاری و استخراج مثال‌ها و تصحیح و حروف‌چینی و بازمین‌سازی، افزون بر این در عصر «جهانی شدن» و در دورانی که نیاز به‌فراگیری حداقل یکی، دو زبان دیگر جز زبان مادری، از الزامات پیشرفت در شغل و حرفه و حیات اجتماعی اکثر افراد جامعه است، ناگزیر فرهنگ‌نگاری نیز که دانش تخصصی است، باید پاسخگویی این نیازها باشد.

مترجم «مرگ را با تو سخنی نیست» (گزیده شعرهای اریش فرید) در ادامه این موضوع گفت: حال تصور کنید که امکانات آموزشی در اختیار فرهنگ‌نویسان سختکوش و متجرب چون مرحوم علی‌اکبر دهخدا یا دکتر محمد معین می‌بود تمام کارهای شاق و طاقت‌فرسایی چون فیش‌برداری و استخراج مثال‌ها و تصحیح و حروف‌چینی سنتی و بازخوانی و غلط‌گیری و غیره که ده‌ها سال به‌طول انجامید، در عرض دو، سه سال می‌توانست انجام گیرد. برای نمونه، استخراج مثال‌ها برای هر مدخل که مولفان فرهنگ دهخدا یا زحمت بسیار از متون کهن بیرون می‌کشیدند، امروز که حداقل متن دیوان شاعران نامدار روی لوح‌های فشرده ثبت و ضبط شده است، با چشم برهم‌زنی قابل اجراست. البته در همان دوران و با همان امکانات محدود، فرهنگ‌هایی تالیف و منتشر شد که با گذشت بیش از نیم قرن هنوز از اعتبار و اهمیت بسیار



فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فوتم

فوتم از فو